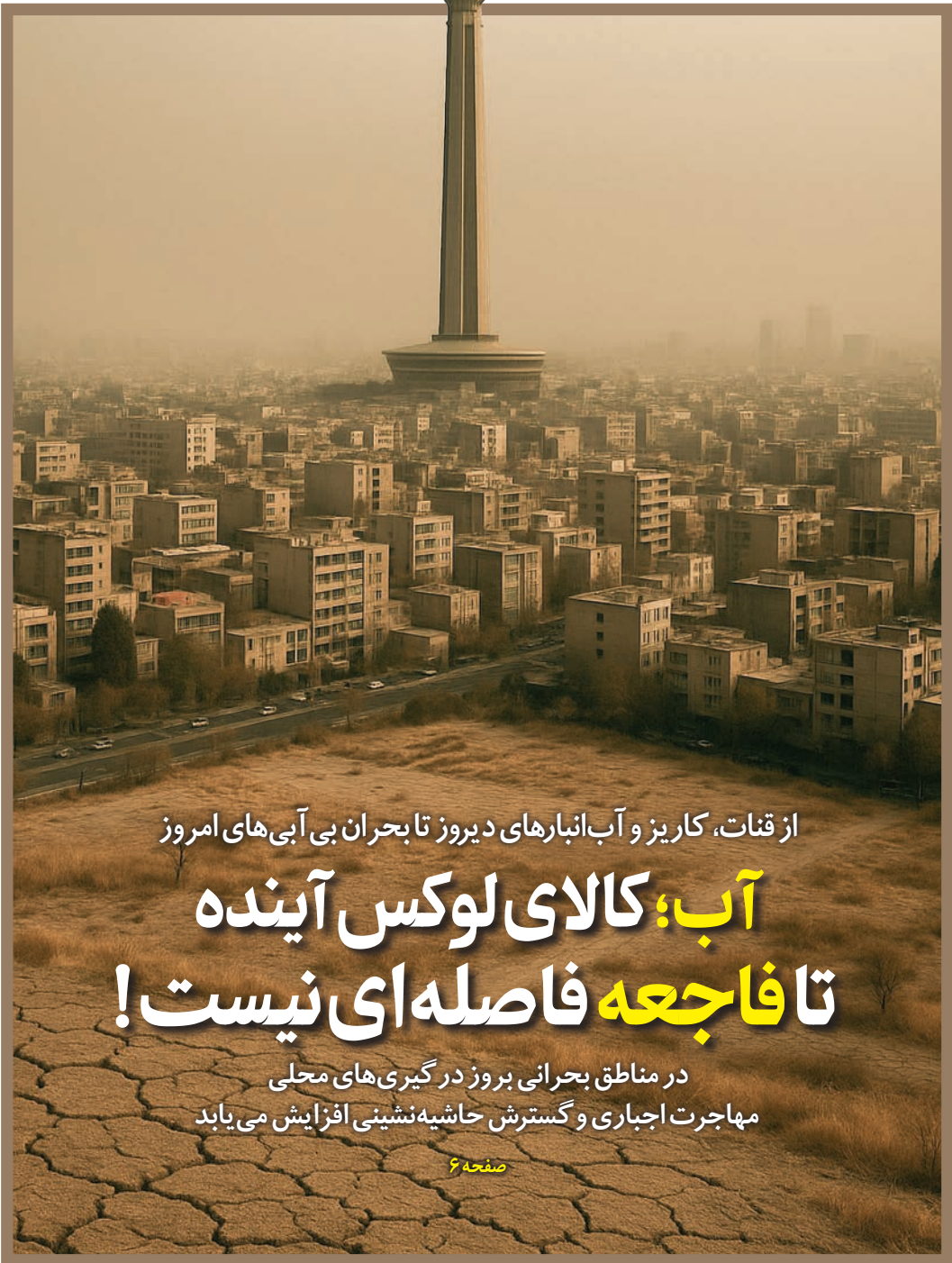




از قنات، کاریز و آب‌انبارهای دیروز تا بحران بی‌آبی‌های امروز

آب؛ کالای لوکس آینده تا فاجعه فاصله‌ای نیست!

در مناطق بحرانی بروز در گیری‌های محلی
مهاجرت اجباری و گسترش حاشیه‌نشینی افزایش می‌یابد

صفحه ۶

گزارش میدانی از مشهد
قطب دوم سینمای کشور و ظرفیتی گمشده

سالن‌هایی خالی از زائران

به ظرفیت زائران در مشهد توجه نشده است.
اگر سینما در بحث گردشگری مذهبی بگنجد،
به نفع زائر، سینمادار و سینمای کشور است

مشهد ۱۰ پردیس سینمایی و تعداد قابل توجهی سالن، اکثرا با کیفیت خوب دارد که می‌تواند نیاز مخاطبان را پاسخ دهد. با وجود معضلات و کاهش نسبی تماشاگران، طبق آمارهای سامانه سمفا، سینماهای مشهد همچنان سهم قابل توجهی در فروش و گردش مالی سینمای کشور دارند. تا جایی که برخی سالن‌های مطرح مشهد توانسته‌اند با سینماهای پایتخت رقابت کنند. از طرفی، سینما در مشهد با توجه به موقعیت مذهبی این شهر و حضور مداوم زائران، می‌تواند پلی بین هنر، جامعه و ارزش‌های فرهنگی باشد و مسافران به ویژه در ایام خاص می‌توانند تأثیر مهمی در فروش سینما داشته باشند.

صفحه ۵



یادداشت

نقض قوانین علمی در روایت بازرس ویژه ریاست جمهوری از
خاموش شدن خودروی مسعود پز شکیان در جاده

استاد! آب با بنزین مخلوط نمی‌شود



خبر کوتاه بود. سه خودروی حامل رئیس‌جمهور در مسیر قزوین به تبریز، اندکی پس از سوخت‌گیری، هم‌زمان از حرکت ایستاده‌اند. این اتفاق، در منطقه‌ای حوالی تاکستان رخ داده و روایت اولیه از آن حکایت دارد که منشأ ماجرا، بنزینی با کیفیت غیرمتعارف در یکی از جایگاه‌های مسیر بوده است. بر پایه همین روایت، رئیس‌دولت ناچار شده مسیر باقی‌مانده را با تاکسی طی کند.

مصطفی مولوی، بازرس ویژه رئیس‌جمهور گفت: «قبل از تاسوعا رئیس‌جمهور به همراه محافظان زمینی با سه خودرو به سمت تبریز به راه می‌افتند و نرسیده به خروجی اتوبان رشت در یک مجتمع بنزین می‌زنند. بعد از بنزین زدن هر سه خودرو نرسیده به تاکستان خاموش می‌شوند که بعد از پیگیری شدن متوجه شدیم در این جایگاه سوخت بنزین بی‌کیفیت و مخلوط با آب عرضه می‌شود



و پیش‌تر هم این تخلف را داشته است.» این اظهارنظر خیلی زود با واکنش تند صنف جایگاه‌داران سوخت روبه‌رو شد. سخنگوی این صنف در اظهارنظری رسمی کل ماجرا را نادرست خواند و تأکید کرد که جایگاه مورد اشاره بیش از یک دهه است که هیچ‌گونه تخلفی در پرورده‌اش ثبت نشده است. به گفته او، در روز مورد اشاره بیش از هزار خودرو از همان جایگاه سوخت‌گیری کرده‌اند و هیچ گزارشی درباره مشکل فنی یا اختلالی مشابه در اختیار صنف قرار نگرفته است. در دل این کشمکش روایی، غیبت نهادهای رسمی نیز خودنمایی می‌کند. سخنگوی صنف تأکید می‌کند که هیچ شکایتی از سوی ریاست‌جمهوری، وزارت نفت یا سایر نهادهای ذی‌ربط در آن تاریخ به دست ایشان نرسیده است. در مقابل، گزارشی که از سوی بازرس ویژه ارائه شده، نه به‌عنوان یک شکایت رسمی بلکه در قالب نقل‌قول شفاهی در جلسهای سیاسی مطرح شده است. همین عدم تطابق میان گفتار رسمی و مسیرهای قانونی، پرسش‌هایی جدی درباره روال ثبت و پیگیری چنین حوادثی را مطرح می‌کند.

ماجرای وقتی جذاب‌تر می‌شود که پای طنز هم به میان می‌آید. آذری جهری در واکنشی کنایه‌آمیز نوشته است: «احتمال اینکه کسی آب را با بنزین قاطی کرده را مستهملک می‌کنند. وقتی یک خبر، پیش از آن که بررسی و شفاف‌سازی شود، در جلسات رسمی و محافل سیاسی بازگو می‌شود و بلافاصله با تکیه‌بیه‌ای قاطع از سوی صنف مسئول روبه‌رو می‌شود، این پرسش جدی شکل می‌گیرد که مرجع نهایی تشخیص واقعیت کیست؟ بی‌توجهی به این اصل مهم نه تنها به حل مسئله کمک نمی‌کند، بلکه فضای افکار عمومی را خاکستری‌تر می‌سازد. نتیجه آن که در مواجهه با رویدادهای آینده، حتی وقتی حقیقتی روشن رخ دهد، مردم با دیده تردید به آن می‌نگرند و دیگر نمی‌دانند چه چیزی را باید باور کنند.

گزارش

صدور قبوض علی‌الحساب آب و اعتراض مردم

تداوم بی‌آبی و بی‌تدبیری هم‌زمان



تهران در یکی از سخت‌ترین دوره‌های کم‌آبی چند دهه اخیر به سر می‌برد. طبق اعلام رسمی شرکت آبفای استان تهران، ذخایر سدهای اصلی در وضعیت هشدار قرار گرفته‌اند و در صورت تداوم روند فعلی، حتی احتمال از دست رفتن سد ماملو تا یک ماه آینده نیز مطرح شده است. بر اساس آمارهای ارائه‌شده، میزان بارندگی نسبت به سال گذشته ۳۱ درصد و نسبت به میانگین بلندمدت ۴۴ درصد کاهش یافته، رقمی نگران‌کننده که آینده تأمین آب را در بزرگ‌ترین کلان‌شهر کشور در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

تهران در یکی از سخت‌ترین دوره‌های کم‌آبی چند دهه اخیر به سر می‌برد. طبق اعلام رسمی شرکت آبفای استان تهران، ذخایر سدهای اصلی در وضعیت هشدار قرار گرفته‌اند و در صورت تداوم روند فعلی، حتی احتمال از دست رفتن سد ماملو تا یک ماه آینده نیز مطرح شده است. بر اساس آمارهای ارائه‌شده، میزان بارندگی نسبت به سال گذشته ۳۱ درصد و نسبت به میانگین بلندمدت ۴۴ درصد کاهش یافته، رقمی نگران‌کننده که آینده تأمین آب را در بزرگ‌ترین کلان‌شهر کشور در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

شده تا از پرداخت موقت خودداری کنند و نگرانی دریافت پیامک قطع یا اختطار را نداشته باشند. خب اگر قرار نبود قبضی پرداخت شود، چه نیازی به صادر کردنش بود؟ مگر این که هدف از همان ابتدا، تمرین ذهنی برای تاب‌آوری برابر بی‌منطق‌ی یا حتی چیزی جدی‌تر، مثل ضربه زدن به اعتماد عمومی مردم بوده باشد. چون در این بازی اداری، آن‌چه به‌راحتی خرج شد، نه فقط هزینه صدور قبض، بلکه سرمایه‌ای به‌مراتب ارزشمندتر یعنی اعتماد مردم به منطق و مسئولیت‌پذیری مدیریت خدمات عمومی بود.

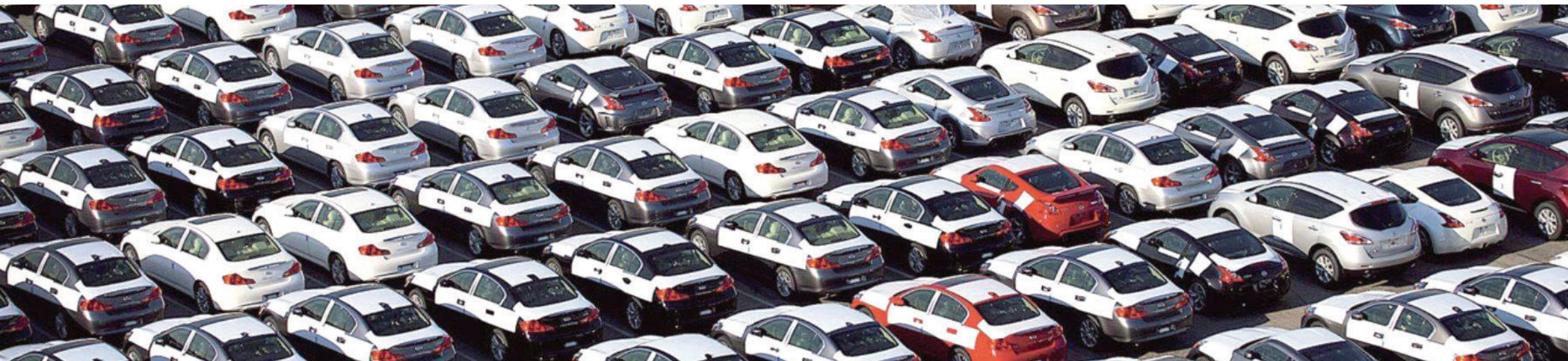
ماموران قرائت در راهند
مدیرعامل آبفای تهران، محسن اردکانی، در گفت‌وگو با رسانه‌ها تأکید کرده است که به‌زودی ماموران برای قرائت واقعی کنتورها مراجعه خواهند کرد و قبوض نهایی بر اساس داده‌های واقعی صادر می‌شوند. وی همچنین اعلام کرد که تنها ۲۵ درصد از مردم این قبوض علی‌الحساب را پرداخت کرده‌اند و بسیاری

دیگر منتظر قرائت واقعی مانده‌اند. به گفته او، در صورت پرداخت، مبلغ اضافی به عنوان اعتبار در حساب مشترک باقی خواهد ماند.

پمپ و مخزن بخريد
اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود. کاهش شدید منابع آبی، شرکت آبفارا ناگزیر کرده تا برای مدیریت منابع، فشار آب را در شبکه توزیع کاهش دهد. این موضوع باعث شده بسیاری از ساکنان طبقات بالا، به‌ویژه در ساختمان‌های فاقد پمپ و مخزن، با مشکل جدی در تأمین آب روبه‌رو شوند. اردکانی در این باره توضیح داد که کاهش فشار آب به‌گونه‌ای صورت گرفته که طبقات اول و دوم همچنان دسترسی به آب دارند، اما شهروندانی که در طبقات بالاتر زندگی می‌کنند و فاقد تجهیزات ذخیره‌سازی هستند، لازم است هر چه زودتر نسبت به تهیه مخزن و پمپ اقدام کنند.

آب را گل نکند
تجربه اخیر نشان داد که بلایای طبیعی، به‌تنهایی چندان خطرناک نیستند؛ آن‌چه یک خشکسالی ساده را به یک بحران اجتماعی تمام‌عیار تبدیل می‌کند، پیوند آن با تصمیم‌گیری‌های پر خطا، مبهم یا بدون توضیح کافی است. صدور قبوض علی‌الحساب در شرایط خاص امنیتی شاید در برخی موارد اجتناب‌ناپذیر باشد، اما آن‌چه غیرقابل‌پذیرش می‌نماید، فقدان شفافیت، نبود اطلاع‌رسانی به‌موقع و بی‌اعتنایی به حساسیت افکار عمومی‌ست.

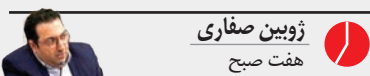




داستان تلخ جولان خودروهای چینی در خیابان‌های ایران

رقص چینی در بهشت انحصاری ایران

شرکت‌های ایرانی برای کاهش هزینه، سفارش قطعاتی با مشخصات پایین‌تر می‌دهند



تصور کنید در بازاری زندگی می کنید که یک تلف همراه ساده چینی در دویی ۱۰۰ دلار قیمت دارد، و شما ۲۰۰ دلار فروخته می شود؛ آن هم با کیفیت پایین تر و بدون گارانتی معتبر. حالا این مثال را تصور خودرورایی تصور کنید که قیمتش به اندازه نصف یک آپارتمان است! این دقیقاً وضعیت بازار خودروی ایران است؛ جایی که مردم برای خرید یک کراس اوور چینی ساده در بازارهای جهانی ۱۲ هزار دلار ارزش دارد، باید معادل ۲۵ تا ۳۰ هزار دلار پرداخت کنند.

چگونه این معجزه معکوس اقتصادی رخ می‌دهد؟
روزگار به خیابان‌های شهرهای ایران سر زبید،
طی طبعی از خودروهای چینی را خواهد دید؛
چری، جک، فاو، دانگ‌فنگ، گریت‌والد و ده‌ها برند
دیگر که با نام‌های ایرانی شده مثل ام‌وام، کی‌ام‌سی،
سیتین و فونیکس عرضه می‌شوند.
این خودروها که عمدتاً در کلاس کراس‌اور و SUV
هستند، حالا بخش عمده‌ای از بازار خودروهای صفر
کیلومتر ایران را تشکیل می‌دهند. اما مسئله اینجاست
که همین خودروها در کشورها همسایه با قیمت و
کیفیت کاملاً متفاوت عرضه می‌شوند.

صرف کننده ایرانی بابت خودرویی که در بازارهای جهانی (مثل کشورهای حاشیه خلیج فارس، آمریکا و لاتین یا حتی برخی کشورهای آسیای شرقی) با کیفیت بهتر و قیمت کمتر از ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار گاهی حتی کمتر) عرضه می شود، مبالغه معادل ۲۰ تا ۴۰ هزار دلار یا بیشتر (براساس نرخ ارز آزاد) پرداخت می کند. این در حالی ست که کیفیت مواد اولیه، مونتاژ و آپشن های ارائه شده در ایران اغلب پایین تر از نمونه های صادراتی همان خودروها به سایر کشورهاست.

🔴 رمز گشایی از معمای قیمت گذاری

تجربیه‌ها مثل یک مایک نامرئی عمل می‌کنند که بر تمام مراحل واردات سایه می‌اندازد. واردکنندگان به مرور زمان کاتال‌های پیچیده‌ای در کشورهای ثالث استفاده کنند که هر کدام کارمزدها دریافت می‌کنند.

از سوی دیگر شرکت‌های مونتاژ کار با واردات قطعات منفصله (CKD) از پرداخت تعرفه ۷۵- تا ۸۰ درصدی خودوری کامل فرار می‌کنند این به‌عنوان به‌عنوان جیب مصرف‌کننده نمی‌رود. در عوض، حاشیه سود بسیار کم و نصیب واردکننده-مونتاژ کار می‌شود.

در حالی که این واردکنندگان ادعا می‌کنند ما در ایران خودوری تولید می‌کنیم اما ۱۰ درصد قطعات وارداتی و ۱۰ درصد مونتاژ ساده با همان تولید می‌ماند.

ما شاید یکی از مهمترین دلایل، بازار انحصاری و غیر رقابتی داخلی است. در بازاری که توپوتا هیوندای، فولکس واگن و دیگر برندهای معتبر حضور ندارند، خودروسازان چینی و شرکت‌های ایرانی شاغلان در صنعت انحصار زندگی می‌کنند.

داستان غم‌انگیز استانداردهای دوگانه کیفیت

داستان اما جایی غم‌انگیز می‌شود که یک مدل خودروی چینی در امارات با امکانات رفاهی بهتر، یربگ‌های بیشتر و گارانتی اصیل‌تر نسبت به ایران عرضه می‌شود. برخی منابع آگاه می‌گویند

جراحی بیشتری پیدا کنند و در عمل پشтовانه محکمی برای مردم باشند؛ قوانینی که به صراحت به موضوعاتی چون کیفیت، گارانتی، خدمات پس از فروش و فراخوان‌ها (Recall) بپردازد.

همچنین ایجاد یک نهاد مستقل و قدرتمند برای نظارت بر کیفیت و ایمنی خودروها، دور از هرگونه نفوذ و فشار، حیاتی است؛ نهادهی که صدای رسای مصرف‌کننده باشد، به شکایات او رسیدگی کند و بر آزمایش‌های تصادف و استانداردهای ایمنی نظارت

داشته باشد. این نهاد باید بر الزام تولیدکنندگان و روار کنندگان به رعایت استانداردهای جهانی ایمنی، کیفیت و کمیت در تمامی خودروهایی عرضه شده، نظارت کند تا از ورود خودروهای بی کیفیت و ناایمن به بازار جلوگیری شود و سلامت، رضایت و آرامش خریداران در اولویت قرار گیرد. کیفیت خدمات پس از فروش و تامین قطعات یدکی نیز از وظایف این نهاد خواهد بود.

مردم برای خرید یک کراس اور
چینی ساده که در بازارهای
جهانی ۱۲ هزار دلار ارزش دارد،
باید معادل ۳۵ تا ۴۰ هزار دلار
پرداخت کنند. اما چگونه این
معجزه معکوس اقتصادی رخ
می‌دهد

چرخش از مونتاژ صرف به تولید واقعی و فناوریانه در صنعت خودرو

پایداری و اقتدار اقتصادی هر کشور در گرو تولید داخلی پویا، باکیفیت و رقابتی است. صنعت خودروسازی ما سال‌هاست که عمدتاً بر پایه مونتاژ قطعات وارداتی بنا شده است. باید به جای حمایت

چون مونته‌های صرف و واردات قطعه بدون انتقال، سیاست‌هایی را به سمت تشویق تولید و صادرات، و ارزش آفرین در صنعت خودرو تغییر دیدیم؛ بنابراین، به معنای واقعی کلمه، چرخه‌های اقتصاد را به سمت بازگرداندن اشتغال پایدار و دانش محور ایجاد کرد. این سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های پیشرو جهانی است تا دانش فنی بومی قوی‌تر شود و به سمت طراحی توسعه بلوغ‌یافته‌ی تولید هم حرکت کنیم. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری گسترده و هدفمند در بخش تحقیق و توسعه (R&D) داخلی و حمایت نامزد از شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در این حوزه، راهگشای تولید محصولات رقابتی و وفادارانه (از جمله خودروهای برقی و هوشمند) خواهد بود که هم نیازهای داخلی را برآورده کند و هم امکان حضور در بازارهای جهانی را فراهم آورد و شومران را به قطب تولید خودروهای کیفیتی و رقابتی در منطقه تبدیل کند.

آیا روزی خواهد رسید که یک خانواده ایرانی بتواند با همان قیمتی که یک خانواده اماراتی می‌پردازد،

خودرو بخرد؟ پاسخ این سوال در گرو اراده سیاسی برای اصلاحات ساختاری و شکستن منافع رانت خواران است. تا آن روز اما این داستان تلخ ادامه دارد...

[illegible]

افت قیمت خود، وهاء، واء، داء، و داخل، ط، هفته گذشته

کاهش تعرفه واردات؛ راهکاری موقت یا راهحلی پایدار؟

اگر عرضه واقعی خودروهای وارداتی با قیمت‌های رقابتی محقق نشود، این کاهش‌ها ممکن است موقتی باشند و بازار دوباره دچار



بازار خودروی ایران طی سال‌های اخیر با چالش‌هایی چون انحصار تولید، قیمت‌های غیر واقعی، محدودیت‌های وارداتی و شرایطی که مصرف‌کنندگان مواجهه بوده است. در چنین شرایطی، سرمایه‌ای، تصمیم‌دولت در سیاست و چهارم اثر ۴۱۳ میلیارد ریالی، تعرفه واردات خودرو، می‌تواند نقطه‌عطفی در سیاست‌گذاری صنعت خودرو به‌شمار آید. براساس مسووبه هیات وزیران، تعرفه خودروهای پنی‌نی زیر ۱۵۰۰ سی‌سی از ۵۵ درصد به ۲۰ درصد کاهش یافت (۱۶ درصد صوباز ۲۰۰۰ سی‌سی تا ۴۰ درصد حقوق ورودی)، خودروهای ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سی‌سی ۴۰ درصد، خودروهای ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سی‌سی ۵۵ درصد،

خودروهای ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سی سی ۱۰ درصد، بالای ۳۰۰۰ سی سی ۱۹۰ درصد، خودروهای هیبریدی ۱۵ درصد و خودروهای برقی به ۴ درصد کاهش یافت. پیوس از این کاهش تعرفه در اواخر هفته گذشته، بازار خودرویی ایران و کاشن‌های قابل توجهی نشان داد. این اقدام هر چند اثر روانی در بازار به همراه داشت اما در چشم‌انداز بلندمدت، بازار را برای تحول ساختاری، افزایش رقابت و ارتقای کیفیت آماده می‌کند.

این کاهش تعرفه‌ها به‌ویژه در خودروهایی اقتصادی و هیبریدی بسیار چشمگیر است و نشان‌دهنده تغییر رویکرد دولت از حمایت‌های تولید داخلی به سمت آزادسازی نسبی بازار و افزایش رقابت است. تعرفه ۴۰ درصدی برای خودروهای برقی نیز می‌تواند زمینه‌ساز تحول در حمل‌ونقل پاک و توسعه زیرساخت‌های شارژ و فناوری‌های نوین باشد. با اعلام کاهش تعرفه‌ها، بازار خودروهای وارداتی دچار نوسان شده و هر چند به دلیل تخلیق سامانه فروش، در زمانه‌های هنوز آغاز نشده است،

اثر لنگر روانی

[Facebook](#)
[Twitter](#)
[Instagram](#)

جدول کاهش قیمت خودروهای وارداتی طی هفته‌ای که گذشت		
کیا سراتو ۲۰۲۳	از حدود ۲.۹ میلیارد تومان	به ۲.۶ میلیارد تومان
هیوندای النترا	از ۲.۶ میلیارد تومان	به ۲.۳ میلیارد تومان
تویوتا R - CH	از ۳.۲ میلیارد تومان	به ۲.۸ میلیارد تومان
تویوتا کرولا ۲۰۲۴	از ۲.۲ میلیارد تومان	به ۲ میلیارد و ۶۸۰ میلیون
نيسان قشقایی آنر	از ۴ میلیارد و ۶۸۰ میلیون تومان	قیمت ۴ میلیارد و ۶۲۰ میلیون
اوتلندر M-LINE از برند میتسوبیشی	از ۵ میلیارد و ۶۶۰ میلیون	۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان
گک GS۳	۲ میلیارد و ۷۴۰ میلیون تومان	۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان
گک Empow هیبریدی	سه میلیارد و ۶۰ میلیون تومان	۲ میلیارد و ۹۴۰ میلیون تومان
اواتار ۱۱	۹ میلیارد و صد میلیون تومان	۸ میلیارد و ۲۰ میلیون تومان

نقاشیه عمومی همزمان با آرزایی (یکپارچه)

نوٲت اول – مناقسه شماره ۰۳۴۰۲۶۷ قطعات یءکی

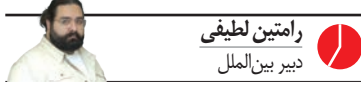
ژئوآور توریین وستینگهاوس – رله های زمینس

- نوع مناقسه : یک مرحله ای - مناقسه عمومی همزمان با آرزایی (یکپارچه)
 - نوع فراخوان : عمومی :
 - نام و نشانی مناقسه گذار : شرکت لالایش گاز شهید هاشمی نژاد (S.G.P.C.) به ادرس : مشهد، خیابان ایکوه، نبش دانشسرای شمالی، شماره ۲۵۵، شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد - دبیرخانه کمیسیون مناقسات.
 - راه های ارتباطی:
 - تلفن مسؤل کمیسیون مناقسات و کمیسفه فنی بازگائی: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۲۳
 - تلفن دبیر کمیسیون مناقسات: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۴۵
 - تلفن دبیرخانه کمیسفه فنی بازگائی: ۰۵۱-۳۷۲۸۹۰۵۵
 - تلفن دبیرخانه کمیسیون مناقسات: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۲۴
 - نامبردبیرخانه کمیسیون مناقسات و کمیسفه فنی بازگائی: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۲۴
 - اُرس پست الکترونیک : [**Tender@Nige-Khangiran.ir**](mailto:Tender@Nige-Khangiran.ir)
- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارعاج کار: تضمین های اعلام شده در آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی به مبلغ ۳٫۶۹۴۶۰۰۰۰ ریال (سه میلیارد و شصصد و نوډ و چهار میلیون و شصصد هزار ریال).
- نحوه و مهلت دریافت اسناد: متقاضیان می تواننڀ تا ساعت ۱۸:۵۹ مورخ ۱۴۰۴/۵/۰۸ ، نسبت به دریافت اسناد مناقسه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاند) به ادرس www.setadiran.ir و یا شماره فراخوان ۰۶۴۰۰۰۰۹۲۱۴۳۰۰۴ ۲۰۰۴ در سامانه اقدام نمایند. لازم به ذکر است تمامی مراحل برگزاری مناقسه از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.
- آخرین مهلت ارسال پاکت های پیشنهاد: متقاضیان بعد از دریافت اسناد مناقسه از سامانه مذکور می بایست حداکثر تا ساعت ۱۸:۵۹ مورخ ۱۴۰۴/۵/۲۲ ، اسناد مناقسه تکمیل شده را به همراه مدارک مورد نیاز در سامانه بارگزاری و ثبت نمایند.
- محل و زمان گشایش پیشنهادهات: پاکنهای مالی شرکت های واجځ شرایط در ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۲ ، در محل اتاق کنفرانس اداره مشهڊ (دفتر ایکوه) به ادرس مشهڊ، خیابان ایکوه، نبش ایکوه ۷ (داثسراری شمالی) ، شماره ۲۵۵، شرکت لالایش گاز شهید هاشمی نژاد، با حداقل سه پیشنهاد تأییڊ شده گشایش خواهڊ یافت. ضمناً با توجه به این ک مناقسه عمومی همزمان با آرزایی (یکپارچه) می باشد، لذا لازم است مناقسه گران علاوه بر تکمیل و بارگزاری اسناد آرزایی کیفی و مستندات مربوطه نسبت به بارگذاری همزمان پاکتاں (الف)، (ب) و (ج) نیز در سامانه اقدام نمایند.

هیتلر، هولوکاست و سوداگران کلیک

برخی اینفلوئنسرهای فضای مجازی با جعل تصاویر و داستان‌هایی از اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها

در پی دیده شدن و سود بیشتر هبستند



در نخستین روزهای ژوئیه، تصویری تکان‌دهنده در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد: مردی نحیف، نیمه‌برهنه، با چشمانی گودافتاده، در حال نواختن ویولن میان گروهی از زندانیان. کبشن‌ها می‌گفتند این «هنک»، نوازنده‌ای یهودی در اردوگاه آشویتس بود که مجبور بود برای زندانیانی که به سوی اتاق‌های گاز می‌رفتند، موسیقی بنوازد اما این تصویر، نه حاصل عکاسی مستند در دل فاجعه که ساخته نرم‌افزارهای هوش مصنوعی بود؛ تصویری جعلی، با داستانی جعلی‌تر.

تحریف خطرناک از نگاه حافظان تاریخ

بنیاد یادبود آشویتس در لهستان، در واکنشی سریع، تصویر مذکور را «تحریف خطرناک» نامید و نسبت به استفاده از فناوری برای ساخت روایت‌های ساختگی درباره هولوکاست هشدار داد. به گفته کارشناسان این نهاد، نه‌تنها داستان هنگ بی‌پایه است، بلکه نشانه‌های واضحی از جعلی بودن در تصویر وجود دارد: چهره‌هایی با چشمان محو شده، دستانی که درهم جوش خورده‌اند و لباس‌هایی که هیچ شباهتی به یونیفورم‌های زندانیان واقعی ندارند. تال پروتمان، تاریخ‌نگار سرشناس و متخصص در تاریخ آشویتس، در گفت‌وگو با شبکه فرانسه ۲۴ تأکید کرد: «از اساس داستان غلط است؛ زندانیانی که به طور مستقیم به سویی اتاق‌های گاز فرستاده می‌شدند، هیچگاه به موسیقی بدرقه نمی‌شدند.» به گفته او، ارکسترهای آشویتس تنها هنگام رفت‌وآمد روزانه زندانیان به کار اجباری، قطعه‌هایی برای اهیپیمایی می‌نواختند، نه برای کسانی که بلافاصله پس از ورود، به قتلگاه فرستاده می‌شدند. در مستندات به جای مانده از آشویتس آمده که نظامیان نازی به پخش اپرای واگنر برای زندانیان علاقه خاصی داشتند. از این رو، اغلب یهودیان از واگنر و آثارش تنفر دارند.

تصویری که از همه‌سو می‌لنگد

بررسی دقیق‌تر تصویر نشان می‌دهد نه ترکیب‌بندی آن واقعی است، نه جزئیاتش. در این تصویر، یک نوازنده ویولن به‌تنهایی میان گروهی از زندانیان ایستاده، در حالی که بنا بر اسناد موجود و طراحی‌هایی که زندانیان واقعی از ارکسترهای اردوگاه کشیده‌اند، نوازندگان همیشه به شکل گروهی و تحت نظارت دقیق نگهبانان فعالیت می‌کردند. لباس مرد ویولن‌زن نیز به کلی با یونیفورم‌های زندانیان که شامل راه‌راه‌های معروف و بدون کمر بند بود، تفاوت دارد. او

عکس روز

آه رُزباد، آه...

سور تمه به یادمانندی فیلم «همشهری کین» با فروش ۱۴/۷۵ میلیون دلاری در حراجی، رکوردی خیره‌کننده ثبت کرد



سورتمه چوبی «رُزباد» به جا مانده از شاهکار سینمایی «همشهری کین» (۱۹۴۱) که بسیاری آن را برترین فیلم تاریخ می‌دانند، در حراجی به قیمت ۱۴.۷۵ میلیون دلار (۱۱ میلیون پوند) فروخته شد. «رُزباد»، نماد کودکی از دست‌رفته چارلز فاستر کین، شخصیت اصلی فیلم و قلب تپنده روایت اوسورن ولز در این اثر است. این سورتمه که در صحنه پایانی در آتش می‌سوزد، راز عمیق زندگی کین را فاش می‌کند: جست‌وجوی بی‌ثمر برای معصومیت گمشده. این شی، یکی از سه نمونه باقی‌مانده، سال‌ها گم‌شده تلقی می‌شد تا اینکه در سال ۱۹۸۴ به جو

دانه، کارگردان، اهدا شد و از نابودی نجات یافت. دانه، عاشق این اثر، از رزباد در فیلم‌هایی چون «گرملین‌ها ۲» به‌عنوان ارجاعی ظریف برای هواداران استفاده کرد.

این سورتمه حالا دومین یادگار گران‌قیمت سینمایی تاریخ است، پس از کفش‌های یاقوتی «جادوگر شهر اوز» که دسامبر گذشته ۳۳ میلیون دلار فروخته شد. جو مادلانا، معاون اجرایی حراجی هریتیج، به

مجله «پنتلیجنت کالکتور» گفت: «رزباد، همراه با کفش‌های یاقوتی، از نمادین‌ترین اشیای هالیوود است.» هویت خریدار فاش نشده است. دانه به هریتیج گفت در سال ۱۹۸۴، هنگام ساخت «کاشفان» در استودیوی سابق آرکی، کارگری که از عشق او به فیلم‌های کلاسیک باخبر بود، این سورتمه را پیشنهاد داد. او افزود: «همشهری کین» شاید بزرگ‌ترین فیلم تاریخ باشد و رزباد قلب داستان

است، نمادی از عمای زندگی کین.» گفتنی است اشیای نمادین دیگری مانند رزباد از نابودی حفظ شده‌اند. لباس سفید مریلین مونرو در «خارش هفت‌ساله» که سال‌ها در انباری گم‌شده بود، در سال ۲۰۱۱ با قیمت ۶٫۶ میلیون دلار فروخته شد. شمشر نوری لوک‌اسکای‌واکر از «جنگ ستارگان» که تصور می‌شد در دهه ۱۹۸۰ دور انداخته شده، در سال ۲۰۱۸ با ۲.۴ میلیون دلار حراج شد.

پیانوی فیلم «کازابلانکا» که سم روی آن «همون‌طور که زمان می‌گذره» را نواخت، در ۲۰۱۴ با ۳.۴ میلیون دلار فروخته شد. عصای چارلی چاپلین در «روشنایی‌های شهر» که گمان می‌رفت گم‌شده باشد، در سال ۲۰۱۹ با قیمت ۱.۸ میلیون دلار حراج شد. این آثار، فراتر از ارزش مادی، بخشی از حافظه جمعی سینماست که با تلاش‌های عاشقان هنر هفتم از گزند زمان در امان مانده‌اند.

چهار گوشه جهان

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۴۱۰۱ | شنبه | ۲۸ تیر | ۱۴۰۲

چهار روز



در کنسرت کلدبلی در ورزشگاه ژبلت نزدیک بوستون، دوربین روی اندی بایرون، مدیرعامل شرکت فناوری نجوم (Astronomer)، و کریستین کابوت، رئیس بخش منابع انسانی این شرکت، زوم کرد و لحظه‌ای که قرار بود برای این دو شیرین باشد، به رسوایی بزرگی تبدیل شد. این دو که در میان ۵۵ هزار تماشاگر دیده شدند، در حالتی صمیمی کنار هم بودند. همین سبب شد تا این دو به سرعت از دوربین روی برگردانند و از هم فاصله بگیرند. کریس مارتین، خواننده گروه، با شوخی گفت: «خیلی خجالتی‌ان!» این جمله جرقه‌ای بود برای تحقیقات آنلاین که هویت این دو را فاش کرد. بایرون متأهل و کابوت در حال انجام مراحل طلاق است و این رابطه احتمالی، به‌ویژه با توجه به جایگاه کابوت در منابع انسانی، نقض جدی اخلاق حرفه‌ای تلقی می‌شود و وکلای کاری معتقدند این رسوایی می‌تواند به برکناری کابوت و حتی بایرون منجر شود.

پنگه دنیا

رازهای ناتمام جزیره گناه

انتشار یادداشتی قدیمی از دونالد ترامپ برای جفری اپستین، به جنجال تازه‌ای در پرونده جنسی این میلیاردر متوفی دامن زده و شکاف عمیقی میان ترامپ و جریان موسوم به «مگا» ایجاد کرده است

در این زمینه ابراز ناخرسندی کرد و خواستار تجدیدنظر جدی شد. ایلان ماسک که در ماه‌های اخیر رابطه‌اش با ترامپ تیره شده، نوشت: «او باید فایل‌ها را منتشر کند و خیلی صریح بگوید کدام بخش‌ها ساختگی ست.» حتی مایک جانسون، سخنگوی جمهوری خواه مجلس نمایندگان که مدافع و به نوعی دست‌نشانده ترامپ است، خواستار شفافیت کامل وزارت دادگستری شد: «موضوع حساسی ست اما باید همه‌چیز منتشر شود؛ بگذارید مردم تصمیم بگیرند.» در میان این‌س طوفان، پام باندی، دادستان کل دولت ترامپ، بیشتر زیر ذره‌بین قرار گرفت. او به دلیل مواضع متناقض و حضورهای پررنگ در شبکه فاکس‌نیوز مورد انتقاد قرار گرفت و برخی خواستار برکناری‌اش شدند اما تحلیلگران می‌گویند تغییر چهره در وزارت دادگستری نه‌تنها

مشترک وزارت دادگستری و اف‌بی‌آی اعلام کرد نه فهرست مشتریان اپستین یافت شده و نه نشانه‌ای از قتل او وجود دارد. این گزارش به جای پایان دادن به حواشی، موجی از خشم را در میان بدنه محافظه‌کار و حتی متحدان سیاسی ترامپ برانگیخت. فعال سیاسی ترامپ برانگیخت. فعال اپستین بر سیاست آمریکا، به‌ویژه بر کارزار بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، سنجینی می‌کند. افشاگری وال‌استریت ژورنال درباره یک آلوم چرمی متعلق به سال ۲۰۰۳، فضای سیاسی آمریکا را بار دیگر در التهاب فروبرد. این آلوم که توسط گیسلین مکسول، شریک جرم جفری اپستین، برای ۵۰سالگی او تهیه شده بود، حاوی یک پیام تصویری طنزآمیز و کنایه‌دار از نسوی دونالد ترامپ بود که روی طرحی دستی از بدن برهنه یک زن نوشته شده بود. در این پیام، ترامپ گفت‌وگویی خیالی و جنسی با اپستین را روایت کرده و در پایان نوشته بود: «تولدت مبارک و امیدوارم هر روز شامل یک راز فوق‌العاده دیگر باشد.» امضای او نیز در پایین این طرح دیده می‌شد.

ترامپ که در سال‌های اخیر کوشیده است هرگونه ارتباط معنادار با اپستین را انکار کند، بلافاصله این سند را جعلی خواند و تهدید به شکایت از وال‌استریت ژورنال و روبرت مرداک، مالک آن، کرد. او گفت: «این‌ها نه حرف من است، نه شبیه سبک من. من حتی نقاشی هم نمی‌کنم!» به مرداک گفتم که این داستان یک کلاهبرداری است.» جالب است بدانید، در روزهایی که دولت ترامپ با فشار افکار عمومی درباره رسیدگی ناقص به پرونده اپستین مواجه شده بود، گزارش



ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



جی‌لو و قلب شکسته‌اش: پایان افسانه عشق؟

جنیفر لویز، ستاره ۵۵ ساله دنیای موسیقی و هالیوود، در کنسرت اخیر تور «تمام شب بیدار» در اروپا، با پیشنهادی غیرمنتظره روبه‌رو شد: تابلویی از یک هوادار که نوشته بود: «جی‌لو، با من ازدواج می‌کنی؟» او با لبخندی تلخ پاسخ داد: «فکر می‌کنم دیگه کافیه. چند بار امتحان کردم.» این جمله کوتاه، قلب طرفداران را لرزاند و بار دیگر داستان پرپیچ‌وخم عاشقانه‌های لویز را به تیتراژ خبر تبدیل کرد. او که تاکنون ۵بار به طور رسمی ازدواج کرده، از اوچانی‌نوا (۱۹۹۷-۱۹۹۸)، کریس جاد (۲۰۰۱-۲۰۰۳)، مارک آنتونی (۲۰۰۴-۲۰۱۴) و دوبار باین‌افلک (۲۰۰۱-۲۰۲۲-۲۰۲۴)، حالا از شکست‌های عشقی‌اش خسته به نظر می‌رسد. دو سال پیش، لویز با اشتیاق گفته بود: «من به عشق ایمان دارم و همیشه به خودم فرصت می‌دم تا عشق در زندگیم حلول کنه.» اما شکست‌های پیاپی، حتی این روحیه عاشق‌پیشه را هم فرسوده کرده. او در مصاحبه‌ای اعتراف کرد که پس از جدایی غم‌انگیز از افلک، دیگر به دنبال عشق نیست و می‌خواهد خوشبختی را در خودش بیابد. «رابطه منو تعریف نمی‌کنه. باید خودم خوشحال باشم.» جمله‌ای که نشان‌دهنده چرخشی بزرگ در نگاه اوست. در حالی که ویدیوی پاسخ لویز در شبکه ایکس وایرال شده، هواداران نگرانند که آیا این ستاره پاپ که روزگاری نماد عشق‌های پرشور بود، با دل شکسته خود چه خواهد کرد؟

پنج‌روزن



جی‌لو و قلب شکسته‌اش: پایان افسانه عشق؟



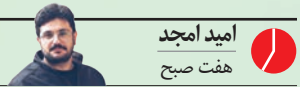
از قنات، کاریز و آب‌انبارهای دیروز تا بحران بی‌آبی‌های امروز

آب، کالای لوکس آینده

تا فاجعه فاصله‌ای نیست!

در مناطق بحرانی بروز در گیری‌های محلی

مهاجرت اجباری و گسترش حاشیه‌نشینی افزایش می‌یابد



امید امجد

هفت صبح

تابستان سال ۱۴۱۰، یک روز معمولی در خانه‌ای معمولی. ساعت از هفت بعداز ظهر گذشته اما کسی به فکر دوش گرفتن نیست. مادر ظرف‌های ناهار دیروز را با دستمال نمدار پاک می‌کند، دختر کوچک با دقت

آب باقی‌مانده در پارچ را بین دو گلدان نیمه‌خشک تقسیم می‌کند و پدر در آشپزخانه به برنامه هفتگی سهمیه آب که به یخچال چسبانده شده، نگاه می‌کند. تانکر پلاستیکی آبی‌رنگ هم حالا مهم‌ترین عضو خانه است. کسی دیگر سراغ ماشین لباسشویی نمی‌رود و شستن ماشینی لباس و ظروف، خاطره‌ای شده از روزگاری که مصرف آب فقط یک عدد روی قبض‌ها بود. این تصویر، تصویری تخیلی از یک فیلم آخرالزمانی نیست، بلکه آینده‌ای محتمل است که بارها و بارها فعالان حوزه آب و انرژی در رابطه با آن هشدار داده‌اند.

هشدار، هشدار، منابع آب در حال تمام شدن است!

در میانه تابستانی که سایه خشکسالی بر آن سنگینی می‌کند، صدای هشدارها رساتار از همیشه به گوش می‌رسد، هشدارهایی که دیگر نه برای آینده‌ای دور، بلکه برای فردایی نزدیک است که ممکن است بی‌آب بیدار شویم.

عباس علی‌آبادی وزیر نیروی چندروز اخیر سخنانی به زبان آورد که بیش از آنکه رنگ و بوی وعده و امید داشته باشد، حامل پیام اضطراب و هشدار بود. او بیان کرد که قیمت واقعی هـر مترمکعب آب، حداقل ۳۰۰ هزار تومان است و باید خوش‌مصرف‌ها را تشویق و با بد مصرف‌ها برخورد جدی کرد.

این سخنان در حالی بیان شد که کشور در پنجمین سال پیایی خشکسالی قرار دارد. براساس اظهارات وزیر نیرو، بارندگی‌ها نسبت به سال گذشته ۳۱ درصد

و نسبت به میانگین بلندمدت ۴۴ درصد کاهش داشته است. این امر، صرفاً داده‌های اقلیمی

وجود بیش از ۳۲ هزار حلقه

چاه غیر مجاز در کشور

این کارشناس توضیح می‌دهد که خشکسالی پدیده‌ای تدریجی است که ناشی از سال‌ها کم‌بارشی است و می‌گوید: حتی یک فصل مرطوب هم نمی‌تواند این موضوع را جبران کند؛ چرا که آب باید ابتدا سفره‌های زیرزمینی را تغذیه کند. با افزایش دما و کاهش بارش برف، این منابع نیز در معرض تهدید قرار گرفته‌اند و برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی باعث افت سطح آب، فرونشست زمین و احتمال فعال شدن گسل‌ها شده است. او اظهار می‌کند: در حال حاضر، بیش از ۳۲ هزار حلقه چاه غیر مجاز در کشور وجود دارد که شراب‌های آبخوان‌ها را تخلیه می‌کنند. این وضعیت نیازمند الزامات قانونی فوری برای مجازسازی یا انسداد این چاه‌هاست. یزدانی در پایان خاطرنشان می‌کند: شبکه آبرسانی کشور هر روز که گذرد، پیرتر و فرسوده‌تر می‌شود و هدررفت آب افزایش می‌یابد. نوسازی این شبکه به‌دلیل سختی عملیات و عقب‌ماندن از فناوری، با تأخیر جدی مواجه شده است. در کنار آن، تمرکز جمعیت در کلانشهرهایی چون تهران، گرج، شیراز، اصفهان و تبریز فشار بر منابع و زیرساخت‌ها را چندبرابر کرده است. همه این عوامل، از سیاست‌های نادرست کشاورزی گرفته تا کشت محصولات پر آب، سبب شده‌اند کشور وارد وضعیت بحرانی شود. از رسانه‌ها و مردم می‌خواهیم در این مسیر همراه باشند و پیش از هر چیز، امید داریم که خداوند رحمت خود را شامل حال ما کند و باران رحمتش را بر ما بباراند.

کنیم یا باید تا ته کشیدن آخرین سد منتظر بمانیم؟

تصویر واقعی خشکسالی: یک چهارم دنیا بارندگی داریم

محمود یزدانی کارشناس آب و انرژی در گفت‌وگو با «هفت‌صبح» با اشاره به وضعیت نگران‌کننده منابع آبی کشور اظهار می‌کند: ۷۲ درصد سطح کره زمین را آب فرا گرفته و بیش از سه‌چهارم حجم کره را دربرمی‌گیرد. از این میزان، ۹۷ درصد آن آب شور است که برای کشاورزی و تولید غذا مناسب نیست.

او با اشاره به ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی ایران می‌افزاید: کشور ما در محدوده کم‌بارش و اقلیمی گرم و خشک قرار گرفته و از متوسط جهانی بارندگی پایین‌تر است و ایران گرم‌ترین نقطه زمین را در فلات مرکزی خود دارد. در حالی که متوسط سرنانه بارندگی در دنیا عددی بین ۸۰۰ تا ۸۵۰ میلی‌متر است، در خوش‌بینانه‌ترین حالت ما تنها یک‌چهارم این میزان، یعنی بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلی‌متر بارندگی داریم.

یزدانی ادامه می‌دهد: پدیده‌هایی مانند صنعتی‌سازی، تغییر اقلیم، تمرکز جمعیت و افزایش مصرف، باعث شده‌اند حتی همین حداقل بارندگی هم پاسخگوی نیازها نباشد و شاهد هستیم که در سال آبی جاری، فقط ۱۲۹.۹ میلی‌متر بارش ثبت شده که حدود ۵۳ درصد کمتر از متوسط مورد انتظار است.

او تأکید می‌کند: متأسفانه اقدامات اساسی و پیشگیرانه‌ای که باید پیش از این انجام می‌دادیم، تحقق یافته نیافته است. باید الگوی مصرف را اصلاح می‌کردیم، نظام تعرفه‌گذاری را تغییر می‌دادیم و مشترکان خوش‌مصرف و بد مصرف را در محاسبات تفکیک می‌کردیم. آیا این کارها انجام شده؟ خیر. در نتیجه، نمودار مصرف و بارندگی در کشور به‌شدت واکرا شده و دهانه این نمودار هر روز عریض‌تر می‌شود.

فاجعه فاصله‌ای نیست

بسیاری از شهروندان هنوز عمق بحران را درک نکرده‌اند. مصرف بی‌محابای منابع آبی، ساخت‌وساز بی‌رویه، هدررفت گسترده در بخش کشاورزی و ضعف در فرهنگ‌سازی عمومی برای صرفه‌جویی، همه و همه گواه آن است که ما با بحران آب همچون یک موضوع جانبی برخورد می‌کنیم، نه یک تهدید موجودیتی.

اگر جامعه نسبت به این هشدارها بی‌تفاوت بماند و ساختارهای اجرایی نتوانند سیاست‌های تنبیهی و تشویقی کارآمد برای مدیریت مصرف طراحی و اجرا کنند و رسانه‌ها نتوانند بار آگاهی‌بخشی را به دوش بکشند، فاجعه‌ای که امروز فقط از آن سخن می‌گوییم، فردا واقعیتی عینی خواهد بود.

آب دیگر یک منبع طبیعی ساده نیست. آیا ما آماده‌ایم با چنین نگاهی به آب، سبک زندگی خود را بازتعریف

یزدانی یادآور می‌شود: شرکت‌های آیفاراساس قانون، موظف به کاهش سالانه یک درصد از هدررفت واقعی شبکه هستند اما این الزام عملی نشده است. نمایندگان مجلس نیز به‌عنوان نهاد نظارتی در این خصوص ورود جدی نداشته‌اند. در کلانشهری مانند تهران، کوچک‌ترین اقدام اجرایی در شبکه‌های شهری می‌تواند معضلات متعدد و پیچیده‌ای را به‌وجود آورد و همین، مانع به‌روزرسانی زیرساخت‌ها شده است. این کارشناس حوزه آب و انرژی درباره اقدامات فوری و کوتاه‌مدت برای مدیریت بحران آب می‌گوید: دو اقدام کلیدی باید در دستور کار قرار گیرد. نخست، شرکت‌های آیفاباید با همکاری شرکت‌های دانش‌بنیان، نشتی‌یابی کرده و هدررفت آب در شبکه را متوقف کنند. دوم، مشترکان باید به نصب ادوات کاهنده مصرف ترغیب و ملزم شوند. این ادوات می‌توانند حداقل ۳۰ درصد مصرف آب را کاهش دهند. این دو راه‌کار چند پیامد مثبت دارد که کاهش مصرف آب توسط مشترکان، صرفه‌جویی مالی، انتفاع شرکت‌های آیفاز حفظ منابع و اشتغال‌زایی برای شرکت‌های دانش‌بنیان را شامل می‌شود.

عدم تحقق ۵۰ درصد از بارش مورد انتظار

یزدانی با اشاره به کاهش بارش‌ها ادامه می‌دهد: در سال جاری، بیش از ۵۰ درصد از بارش مورد انتظار تحقق نیافته و ناگزیر باید برای تأمین آب شهرها، صنایع و خانوارها، باید تدابیر عاجلی اتخاذ شود. بیشترین مصرف آب کشور در حوزه کشاورزی است، در حالی که اصلاح الگوی کشت باید دست‌کم دو دهه پیش انجام می‌شد. با وجود اینکه این اصلاح قانونی شده، هنوز اجرایی نشده است. همچنین وزارت جهاد کشاورزی موظف بود سالیانه بخش‌هایی از کشاورزی غرق‌آبی را به کشت قطره‌ای تبدیل کند اما این اتفاق نیز نیفتاده است. تا پیش از ابلاغ الگوی کشت، کشاورزان بدون نظر گرفتن میزان آب‌بری محصول هر نوع کشت دخواه را انجام می‌دادند. او با اشاره به اجرای پروژه ملی «ایران‌رود» یادآور می‌شود: این طرح برای انتقال آب از دریای عمان به فلات مرکزی کشور در حال اجراست که استان‌هایی چون یزد، اصفهان، اراک و سیستان و بلوچستان را در آینده تحت پوشش قرار خواهد داد. با اجرای دقیق این طرح صنایع از وابستگی به حق‌آبه طبیعی رها خواهند شد و البته این پروژه باید بسیار زودتر آغاز می‌شد.



جوانان، ستون پنهان تاب‌آوری ایران

محمد بلوچ

هفت صبح



در روزگار پرچالش امروز، از سیل و زلزله تا بیماری‌های فراگیر و بحران‌های اجتماعی، تاب‌آوری به یکی از کلیدواژه‌های بقا و رشد در جامعه ایران بدل شده است اما در کنار نهادهای رسمی و ظرفیت‌های ملی، نیرویی نه‌چندان دیده‌شده، همواره نقشی کلیدی در این تاب‌آوری ایفا کرده، جوانان.



از سیل گلستان تا چالش‌های روزمره در مناطق مرزی چون سیستان و بلوچستان، ما با چهره‌هایی جوان مواجهیم که بی‌آنکه منتظر فراخوان رسمی بمانند، خودجوش، خلاق و با انگیزه، به میدان آمده‌اند. دانشجویانی که کمپین‌های جمع‌آوری کمک راه‌اندازی کردند، تیم‌های رسانه‌ای محلی برای اطلاع‌رسانی شکل دادند، یا حتی گروه‌های کوچکی برای آموزش، همیاری یا توان‌بخشی تشکیل دادند. این‌ها همه روایت‌های پراکنده‌ای است از یک سرمایه اجتماعی زنده که هنوز به‌طور کامل شناخته و به رسمیت شناخته نشده است.

در بحران کرونا، حضور داوطلبانه جوانان در بیمارستان‌ها، گروه‌های تولید ماسک و مواد ضدعفونی و آموزش‌های مجازی همگانی، جلوه‌ای دیگر از این نقش مؤثر بود. آن‌ها نه‌تنها درگیر شدند، بلکه شکل‌کنشگری خود را بازتعریف کردند؛ از حضور در خیابان تا خلق محتوا در شبکه‌های اجتماعی، از مطالعه‌گری مدنی تا همیاری محلی.

در مناطق محرومی مانند جنوب کرمان، هرمزگان یا سیستان و بلوچستان، جوانان بومی‌گاہ با کمترین امکانات اما با بیشترین انگیزه، به نیرویی برای امید تبدیل شده‌اند. آموزگاران جوانی که به‌صورت داوطلبانه در مدارس دورافتاده تدریس می‌کنند؛ مربیانی که با ورزش، کودکان را از آسیب دور می‌سازند؛ فعالانی که با روایت دردها در قالب دوربین، جهان را متوجه صدای حاشیه‌ی می‌کنند. این همه، بازتاب ظرفیت عظیمی‌ست که اگر در سیاست‌گذاری کلان دیده شود، می‌تواند نیروی تحول‌گر قدرتمندی باشد.

جوانان امروز، نه‌تنها خواهان دیده شدن، بلکه خواهان مشارکت هستند. آن‌ها درک می‌کنند که بحران‌ها بخش جدایی‌ناپذیر واقعیت زیستن در این سرزمین‌اند اما در عین حال، باور دارند که تغییر ممکن است، اگر «اعتماد» به آن‌ها، نه شعاری، بلکه ساختاری باشد.

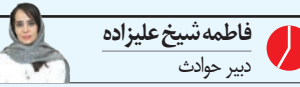
تاب‌آوری اجتماعی، برخلاف تصور رایج، فقط تاب آوردن نیست؛ بلکه بازسازی، نوآوری و معنادادن به رنج است. در این فرایند، جوانان ایران نه صرفاً قربانیان بحران‌ها، بلکه آفرینندگان پاسخ‌هایی نو هستند؛ پاسخی که گاه از دل موسیقی برمی‌خیزد، گاه از دل برنامه‌نویسی و گاه از دل آموزش کودکان در مناطق کم‌برخوردار. اگر تاب‌آوری، سرمایه‌ای با فرهنگی و اجتماعی‌ست، بی‌تردید جوانان، مهم‌ترین ستون آن هستند. ستون‌هایی که باید دید، باور کرد و به آن‌ها میدان داد.

حوادث

طرفین یک تصادف بعداز اینکه راجع به خسارت به توافق نرسیدند وارد درگیری مرگبار شدند

جنایت خونین بعد از تصادف خسارت‌بار

مرد جوان که متهم است در جریان یک درگیری عامل خسارت به خودروی خود را کشته است در جلسه محاکمه جزئیات جنایت را تشریح کرد



فاطمه شیخ‌علیزاده

دبیر حوادث

شناسایی و دستگیری متهم

در اولین قدم از تحقیقات فیلم به دست آمده از دوربین مدار بسته پمپ بنزین محل وقوع درگیری خونین مورد بازبینی قرار گرفت. در این فیلم تصویر فردی که به حمید ضربه مرگبار را وارد کرده بود به وضوح دیده می‌شد. از سویی تحقیقات دیگر نشان داد که حمید از حدود یک هفته قبل با فردی به نام شاهین درگیری داشته است.

در تصاویر به دست آمده دیده می‌شد که حمید از دقایقی قبل از وقوع درگیری در خودروی خود در نزدیکی پمپ بنزین نشتسته بود و زمانی که فرد مهاجم از راه رسید از ماشین پیاده شده و با او درگیر شدند. در این درگیری برادر حمید و دو نفر دیگر از دوستانش نیز حضور داشتند همچنین فرد مهاجم نیز یک جوانی را همراه خود آورده بود.

در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که فرد مهاجم همان شاهین است و به این ترتیب شاهین شناسایی و دستگیر شد. بعد از طی روال قانونی در پرونده و تکمیل تحقیقات جنایی، پرونده با صدور کیفرخواست برای رسیدگی به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

حمید هر روز برای پرداختن مبلغ خسارت امروز و فردای می‌کرد. روز حادثه حمید به من زنگ زد و گفت به رادیدیم. پمپ بنزین بیا تا خسارت رسیدیم به سستم هجوم آورد و با شمشیر به من حمله کرد



یک چوب و یک چاقوی کوچک نگهداری می‌کردم که چاقو را برای دفاع از خودم برداشتم.» قاضی گفت: «چرا همیشه در ماشین چاقو داشتی؟» متهم پاسخ داد: «چون من چوپان هستم و باید این وسیله‌ها را برای دفاع از خود در برابر حمله حیوانات وحشی داشته باشم.» قاضی گفت: «موقعی که به متهم ضربه زدی او زمین افتاد بود چرا همان موقع فرار نکردی؟» متهم پاسخ داد: «در ابتدای درگیری برابر حمید با چوب ضربه سنگینی به من زده بود که نمی‌توانستم درست



پرونده جنجالی کیوان امام‌وردی، متهم به تجاوزهای سریالی، پس از نقض حکم اولیه اعدام در دیوان عالی کشور، اکنون با عنوان اتهامی «زنانی به عنف» در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران در حال رسیدگی است. این جلسه که هفته قبل برگزار شد، با حضور دو نفر از شاکیان و دفاعیات متهم همراه بود. کیوان امام‌وردی، فارغ‌التحصیل رشته باستان‌شناسی از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۹۹ پس از انتشار گسترده شهادت‌های زنان متعدد در فضای مجازی بازداشت شد. روایت‌های منتشرشده در آن زمان حاکی از آن بود که وی با دعوت زنان به خانه‌اش، اقدام به خواندن نوشتنی‌های آلوده به داروهای بی‌هوشی کرده و در حال بی‌هوشی یا ضعف جسمی، به آنان تجاوز می‌کرد. این پرونده در ابتدا با عنوان «فساد فی الارض» در دادگاه انقلاب مورد رسیدگی قرار گرفت و منجر

در دادگاه

در جلسه اخیر، دو نفر از شاکیان با حضور در دادگاه، شرح دقیقی از آنچه بر آنان گذشته را ارائه دادند. این افراد مدعی شدند که بدون رضایت و پس از مصرف نوشیدنی‌هایی که متهم در اختیارشان قرار داده بود، بی‌هوش شده و در آن شرایط مورد تجاوز قرار گرفتند. در حال حاضر شکایت هشت زن به‌عنوان شاکی در این پرونده مطرح است. در مقابل، کیوان امام‌وردی در دفاع از خود اتهامات را رد کرد. وی اظهار داشت که یکی از شاکیان را به کلی نمی‌شناسد و هیچ ارتباطی با او نداشته است. درباره شاکی دوم نیز عنوان کرد که زده‌است و ارتباطی فراتر از آن نداشته است. شیما قوشه و کیل فعلی ۴ نفر از شاکیان در گفت‌وگو با خبرنگار هفت صبح گفت: «دله و مدارک زیادی وجود دارد که برای اثبات ادعای ما کلامت به دادگاه ارائه دادیم. بررسی این ادله و مدارک صحت ادعای ما وکلان من را اثبات می‌کند که به دلیل محرمانه بودن اسناد پرونده نمی‌توانیم در مورد جزئیات این مدارک صحبت کنیم.» رسیدگی به این پرونده در جلسات بعدی محاکمه در دستور کار شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار دارد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
 زیر نظر: شورای سردبیری
 مدیر هنری: وحید غفاری
 دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور
 دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
 دبیر بین الملل: رامتین لطیفی
 دبیر صفحه آخر: کیوان وارثی
 ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کیلیلی

دست نوشته‌های هشت شب

قیمت عادل‌ه و خان‌ه‌ای که دیگر نیست: سفر به کوچه ناظم‌الاطباء



تاریخ را همیشه نباید از دل کتاب‌های قطور خواند. گاهی کافی‌ست چشم‌هایت را ببندی و یک اطلاعیه ساده روی کاغذی زرد و زوهار درفته، به دیوار یکی از کوچه‌های قدیم تهران تصور کنی تا دریچه‌ای باز شود به شهری که دیگر مثل گذشته نیست.

مثل این اطلاعیه:

«خانه‌ای در خیابان برق، کوچه ناظم‌الاطباء، نمره هشت؛ مشتمل بر بیرونی و اندرونی، حیاط خلوت و طولیه، هفتصد زرع، به قیمت عادل‌ه به فروش می‌رسد. تخفیف هم داده می‌شود. طلایین به دواخانه ناظم‌الاطباء رجوع فرمایند.» غلامعلی، کسی که این اطلاعیه را سفارش داده بود، حالا فقط نامی ست در تاریخ؛ احتمالاً سال‌هاست که نیست، اما آن چند خط روی کاغذ، صدایش را هنوز زنده نگه داشته‌اند. همین چند خط، قصه‌ای ست که تو را می‌برد میان کوچه‌های تهران صد سال پیش؛ سال‌هایی که هنوز «زرع» واحد اندازه‌گیری خانه بود، نه متر مربع هر زرع چیزی حدود یک متر و بیست سانتی متر. هنوز به داروخانه می‌گفتند «دواخانه»، و خانه‌ها دو پاره داشتند: «بیرونی» برای مهمان و «اندرونی» برای اهل خانه. بیرونی، گوشه‌ای پر از رنگ و احترام، بلخند و تعارف؛ اندرونی، قلمرو خاموشی‌ها، رازها و آرامش. حیاط خلوت، جایی برای نفس کشیدن، آویزان کردن رخت و بازی‌های قایم‌باشک؛ و طولیه، نه فقط جای حیوان، بلکه نشانه‌ای از

خاطره تصویری پنجشنبه ۳ آذر ۱۳۷۳



هنرمندان شگفت‌انگیز

گیلاسی با طعم زندگی



عباس کیارستمی (۱ تیر ۱۳۱۹- ۱۴ تیر ۱۳۹۵) فیلم‌ساز و عکاس ایرانی بود. کیارستمی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین سینماگران جهان نیز شناخته می‌شد. او از سال ۱۹۷۰ میلادی در کار سینما شروع به فعالیت کرد و بیش از ۴۰ فیلم بلند، کوتاه و مستند ساخت. از مهم‌ترین کارهایش می‌توان به: سه‌گانه کلوزآپ (۱۹۹۰)، طعم گیلان (۱۹۹۷)، و باد مارا خواهد برد (۱۹۹۹) اشاره کرد. او در دوره پایدانی کارش به فیلم‌سازی بیرون از ایران روی آورد که حاصلش فیلم‌هایی مانند کپی برابر اصل (۲۰۱۰) و مثل یک عاشق (۲۰۱۲) بود. کیارستمی علاوه بر سینما در کارهای دیگر هنری از جمله شعر، عکاسی، چیدمان، موسیقی، طراحی گرافیک، طراحی و نقاشی نیز فعال بود. او را باید در زمره سینماگران جریان موسوم به موج نوی سینمای ایران و همتای سهراب شهید ثالث و پرویز کیمیای به‌شمار آورد.

سادگی، استفاده از کودکان به عنوان نقش اول و قهرمان داستان، سبک مستندگونه، بهره‌گیری از فضا‌های روستایی، حذف کارگردان، شاعرانگی و نیز مکالمه شخصیت‌ها در سواری برخی از ویژگی‌های فیلم‌های کیارستمی است. کیارستمی برنده جایزه‌های سینمایی فراوانی است. وی پنج بار نامزد جایزه نخل طلای جشنواره کن شد و در سال ۱۹۹۷ در پنجاهمین دوره جشنواره فیلم کن برای طعم گیلان این جایزه را گرفت.

وی در جشنواره‌های متعدد معتبر فیلم جهان به عنوان داور حضور داشته است. وی همچنین با دریافت ۵۳۲ ستاورد شخصی، پرافتخارترین هنرمند ایران به‌شمار می‌رود. کیارستمی در سال ۱۳۱۹ در تهران به دنیا آمد. پدرش احمد نام داشت و از طایفه کیارستمی‌های میگون بود. در مدرسه جـم در قلهک با آیدین آغداشلو هم‌درس شد. نخستین تجربه هنری او نقاشی بود. او این هنر را تا پایان دوران نوجوانی همچنان ادامه داد تا آنجا که در سن ۱۸ سالگی

هفت صبح

پانشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com

www.7sobh.com

سخن تصویری

طرح: کیوان وارثی



کاریکلماتور

ماهی‌ای که استخوان نداشته باشد موجب امتنان گربه است.

پرویز شاپور

طراحان و آثار ماندگار

پائولا شر؛ زنی که با تایپوگرافی

شهر ساخت



پائولا شر (Paula Scher) را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین طراحان گرافیک معاصر جهان دانست؛ زنی که با تلفیق تایپوگرافی، رنگ، نقشه و هویت، نه تنها طراحی گرافیک، بلکه فضای شهری را متحول کرد. او در دهه ۹۰ میلادی با پیوستن به استودیوی معروف Pentagram، پروژه‌هایی را آغاز کرد که مرز بین طراحی گرافیک و معماری را در هم شکست. یکی از شاخص‌ترین آثارش، طراحی هویت بصری برای موسسه عمومی نیویورک (Public Theater) بود که با تایپوگرافی درشت، متحرک و پرنرژی، زبانی نو برای تبلیغات فرهنگی در فضا‌های عمومی ایجاد کرد. این پروژه نقطه عطفی در طراحی پوسترهای نمایشی

و فرهنگی آمریکا‌شد.

اما اوچ تأثیرگذاری پائولا شر زمانی رقم خورد که وارد فضای شهری شد. نقشه‌هایی که با دست و رنگ‌های درخشان بازطراحی می‌کرد و پروژه‌های گرافیک محیطی برای متروها، موزه‌ها و دانشگاه‌ها، نشان داد که تایپوگرافی می‌تواند بخشی از «چهره شهر» باشد.

در طراحی‌های او، حروف نه فقط وسیله اطلاع‌رسانی، بلکه جزئی از بافت، تاریخ و روان‌شناسی شهر وندان هستند.

سبک جسورانه پائولا شر، ترکیبی از انرژی فرهنگ عامه، دقت طراحی سوئیسی، و بازگو‌شی هنری است. او نشان داد که تایپوگرافی فقط خوانده نمی‌شود، بلکه دیده، احساس و تجربه می‌شود. در جهانی که اغلب مردان عرصه گرافیک را رهبری کرده‌اند، شر با زبان خودش حرف زد: بلند، شفاف و بدون ترس.

پائولا شر، نه فقط با حروف، بلکه با شهامت، فرم و رنگ، بخشی از روح شهرها را طراحی کرد. شهری که او ساخت، شهری ست که با تایپوگرافی نفس می‌کشد.

